



پیونده

مکتب در قالب محدوده‌ای جغرافیایی که عده‌ای هنرمند یا نگارش‌های خاص در آن به فعالیت می‌پردازند دسته بندی دوره‌های هنر در تاریخ هنر بوده است و مکتب‌های هنری ایران چون هرات و تبریز و شیراز نمونه‌ای از این دست است. کرد آمدن هنرمندان در یک منطقه اغلب رابطه‌ای مستقیم با مرکزیت سیاسی داشته و در سایه هنرمند بروری حامیان سلطنتی قابل توصیف و تعریف است. در این میان مکتب شیراز را از جمیع استثناها شمرده‌اند که گاهی هنرمندانش بی سفارش و بدون حمایت مستقیم دربار و دور از کتابخانه‌های سلطنتی فعالیت می‌کردند. استقلال فکری هنرمند مکتب شیراز در استفاده از رنگ و نقش و قلم اشکار است و تأثیر و تأثرات آن با دیگر مناطق ایران شایسته توجه و تحقیق بیشتر خواهد بود.

کتاب و کتاب‌آرایی از جنبه‌های ملموس تاریخ گذشته هنر ایران است و به تبع آن جایگاهش در مکتب شیراز قابل اعتناست. تبیین خطوط و سبدهای قلم در خوشنویسی اسلامی رابطه‌ای مستقیم با کتابت قرآن دارد. همراه با کسب‌نوش کتابت قرآن در سرزمین‌های تازه مسلمان میل به آرایش و تذهیب این نسخه‌ها افزایش یافته است. نگرانی از تحریف قرآن سبب آن بود تا مصحف‌های قرون اولیه را از هر گونه تذهیب و آرایشی محروم کنند. اما به مرور برای تفکیک آیات از یکدیگر - به صورت پنج و ده آیه - از نشان‌هایی بهره جستند و برای سوره و جزو و حزب نیز چنین کردند. تا آنجا که تزیین و زیبائینویسی قرآن از مهم‌ترین دغدغه‌های هنرمندان مسلمان در دوره‌های بعدتر بوده است. این نگاه در تهیه و تولید نسخه‌های ادبی و تاریخی نیز به گونه‌ای دیگر دنبال شده است. یکی از این دوره‌ها در قرن هفتم تا نهم در شیراز رقم می‌خورد.

از این نظر در پرونده پیش رو به کتابت و کتاب‌آرایی در مکتب شیراز پرداخته شده است. جز دو مقاله که به بررسی اجمالی خوشنویسی و تذهیب و نشان‌های قرآن‌های شیراز می‌پردازد. درباره رساله‌ای در این نامه‌نویسی نیز مطلبی فراهم شده است. یکی از مهم‌ترین شیوه‌نامه‌های نگارش مراسلات رسمی و غیررسمی این دوره را در قرن هشتم تدوین کرده‌اند. این اثر را محمد بن هندوشاه نخجوانی به سال ۱۶۷۰ ق نوشته و پس از تصحیح به سلطان اویس تقدیم کرده است. از آنجا که این کتاب به تصحیح دکتر محمود طاروسی در قالب همایش مکتب شیراز در شرف چاپ است. این مطلب، با استفاده از کفنه‌های مصحح کتاب، ترتیب یافته است. در مطلب پایانی نیز از مسخه‌های نسخ معسور و چگونگی مسخه‌آرایی کتب تدوین یافته شیراز در قرون هفتم تا نهم هجری سخن به میان آمده است.

نمونه ممتاز تاریخ اجتماعی هنر ایران

دکتر مریم کامیار

«دستور الکاتب» شیوه نامه مکاتبات رسمی و غیررسمی در قرن هشتم است. این رساله را برای آن نوشته اند که دبیران و نویسندگان نامه‌های دولتی و غیر آن بتوانند با توجه به توضیحات و نمونه‌های کتاب، نامه‌های مربوط به هر موضوعی را به نگارش در آورند.

آیین نامه‌نگاری پیش از این نیز در ایران رایج بوده است و کتاب‌هایی چون «چهارمقاله» یا «مجمع النوادر» نوشته نظامی عروضی، «عتبه الکتبه»، مجموعه مراسلات دیوان سلطان سنجر به قلم منتجب الدین بدیع جویی، «نامه‌های رشید وطواط»، مکاتبات دیوانی و اخوانی امام رشیدالدین محمد وطواط، «التوسل الی التوسل» مجموعه منشآت منشی سلطان تکش خوارزمشاه، بهاء الدین محمد بغدادی، «منشآت خاقانی»، نامه‌های افضل الدین بدیل بن علی خاقانی شروانی و «روضه الکتاب و حدیقه الالباب»، نامه‌های اخوانی به نثر مصنوع اثر ابوبکر بن زکی متطب قونوی ملقب به صدر از این جمله است.

مؤلف کتاب «دستور الکاتب» محمد بن هندوشاه نخجوانی است. او فرزند هندوشاه بن عبدالله صاحبی کیرنی ملقب به فخرالدین از منشیان عهد صاحب دیوان شمس الدین جویی و اباقاخان و ایلخانان پس از آن بوده است. گویا محمد بن هندوشاه نخجوانی متولد ۶۸۴ ق است و کتاب خود را در سال ۷۶۱ ق تمام و تا سال ۷۶۷ ق آن را تصحیح کرده است. این کتاب به سلطان معزالدین اویس تقدیم شده است. «دستور الکاتب» مقدمه ای در بیان چگونگی کتاب دارد و پس از آن در دو بخش، مراتب کتابت و احکام دیوانی و... را تشریح کرده است. خاتمه کتاب در توصیه و شروطی برای نویسندگان و خاصیت کتاب تنظیم شده است.

«دستور الکاتب» را نخستین بار هامر پورگشتال در خلاصه منابع کتابش شرح و معرفی می‌کند. او در این باره می‌گوید: «همان قدر که این کتاب کمیاب است، به همان اندازه هم مهم است». در ایران نیز ابن یوسف در جلد دوم «فهرست نامه کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار» نسخه ای از این کتاب را برای اولین بار معرفی و شرحی بر محتوای آن نوشته است. «به سبب اهمیت از نظر تاریخی-اجتماعی دوران پس از ایلخانان، دستور الکاتب بسیار مورد توجه دانشمندان روس قرار گرفت و سرانجام انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری آذربایجان انجام تحقیق و پژوهش آن را به عهده علی زاده قرار داد که وی آن را با توجه به شش دست نویس و با ذکر کامل نسخه بدل‌ها و شرح اختلافات نسخ با دقت تمام فراهم آورد و در سال ۱۹۶۴ به چاپ سپرد.»

در مقابله کتاب «دستور الکاتب» چاپ مسکو از شش نسخه زیر استفاده شده است:

۱- دست نویس کتابخانه کوپرلی استانبول: این دست نویس از

قدیمی‌ترین نسخه‌های «دستور الکاتب» است که در جمادی الاخر سال ۷۹۸ هجری قمری نوشته شده است. رونویس کتاب از نام مؤلف و سال تحریر و تصحیح کتاب یاد کرده است. این دست نویس به شماره ۱۲۴۱ ثبت شده است.

۲- دست نویس کتابخانه لیدن به شماره ثبت ۵۷۴. این دست نویس تاریخ ندارد.

۳- دست نویس موزه بریتانیا به شماره ثبت ۳۳۴۴. این نسخه تاریخ صفر سال ۸۱۶ هجری قمری را دارد.

۴- دست نویس کتابخانه ملی وین به شماره ثبت ۱۴۴۲. این نسخه تاریخ ذی‌القعدة سال ۸۴۵ هجری قمری را دارد.

۵- دست نویس کتابخانه ملی پاریس به شماره ثبت ۶۴۳. تاریخ این نسخه مورد شبهه است.

۶- دست نویس دیگری از کتابخانه ملی پاریس به شماره ثبت ۱۳۷۸. این نسخه ناقص است و افتادگی دارد.

این نسخ به انضمام دست نویس موجود در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار منابع اصلی مقابله و تصحیح «دستور الکاتب» در چاپ جدید است. از آنجا که مصحح این کتاب در چاپ مسکو چندان به ادبیات عرب آشنا نبوده است، ایراداتی از این دست تصحیح و برخی عبارات مشکل اعراب گذاری شده است.

«دستور الکاتب» را می‌توان از جمله آثار بازمانده نثرهای مصنوع دانست. محمد بن هندوشاه گرایش فراوانی به تکلف و استفاده از واژگان و عبارات عربی دارد. او در اغلب موارد امانت دار بوده و جز اشعار فارسی و عربی در بقیه موارد نام گوینده یا راوی را متذکر شده است. مؤلف کتاب به ادبیات فارسی و عرب بسیار مسلط بوده است و شناختی جامع از دانشمندان و سخن دانان فارس و عرب داشته و به خوبی از آن بهره برده است.

«در ارائه نمونه‌های نامه‌ها که مضمون عمده کتاب را شامل است، نظریات اصلاحی که در اثر نظام الملک و یرلیغ‌های غازان خان شرح داده شده انعکاس خود را در اثر محمد نخجوانی نیز پیدا کرده است. نظر او درباره سازمان و اداره دولتی، و وضع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور تقریباً در سطح نظریات نظام الملک، رشیدالدین و پسرش غیاث الدین و همچنین و صاف، حمدالله قزوینی و دیگر رجال مترقی دولتی خاور زمین بوده است.»

در ادبیات مردم نگار ایران، فرهنگ بررسی می‌شود و فرهنگ نظام مشترکی از باورها، ارزش‌ها، رسم‌ها و به خصوص هنر تحلیل می‌شود. وقتی شناخت نسبت به فرهنگ به دست می‌آید، یعنی دلیل بودن و

این کتاب در زمان اویس ایلکانی نوشته شده است، در دوره بین پایان حکومت ایلخانان و حمله تیمور؛ شخص مؤلف که دست پرورده رشیدالدین فضل الله همدانی است، در تألیف کتاب دست به ترفندی زده و در قالب آموزش فن نگارش حکایت‌هایی را روایت می‌کند که برای شرایط سیاسی آن دوران بسیار درخشان و شاخص است

نیز مستتر است که به گونه ای، طرز تلقی از آموزش یک فن را شامل می‌شود. در آداب این گونه آموزش تنها به بررسی و بیان فن مورد نظر به طور خاص و موضوعی پرداخته نشده، بلکه در کنار موضوع مورد آموزش، به سایر آداب و تشریفات فن نیز توجه شده است. از جمله مواردی که به آن توجه خاص شده چگونه مهیا کردن وسایل است و نحوه تراشیدن قلم و حتی نحوه نشستن. این تلقی از آموزش، امروزه از میان رفته و یا به آن چندان توجهی نمی‌شود؛ اینکه در بیان یک فن به جنبه‌های اخلاقی فرد آموزش گیرنده نیز پرداخته شود. در متن کتاب، مؤلف تأکید بسزایی دارد که چگونه اثر تفکر فرد کاتب در کتابت ظاهر می‌شود و تسلط بر فکر یکی از عوامل موفقیت در آداب نوشتن است. بنابراین این گونه بوده که در هر فنی، فرد به جز آموزش‌های خاص فنی، آموزش‌هایی نیز می‌دیده که بر شخصیت سازی او تأثیر می‌گذاشته است و در نهایت، تمام وجوه شخصیتی شاگرد تعلیم می‌گرفته و از کمال استاد بهره مند می‌شده است.

بدین گونه است که هنر به عنوان یک نمود اجتماعی جلوه می‌کند. منابع ادبی زبان ما، سرشار از اطلاعات درباره نموده‌های اخلاقی در هنر است. امروزه پژوهندگان، تاریخ را علمی یافته اند که با بهره گیری از برآیندهای آن می‌توان آینده را ساخت. بهره ای که پژوهندگان جوان می‌توانند از این رسالات بگیرند، این است که در ورای این مسائل ظریف، مواردی مهم تر وجود دارد و آن پرداختن به مسائل ظریفه ای است که در قالب آموزش یک فن داده می‌شده و این امر باعث می‌شده است که اثر هنری فراتر از آفرینش و آفریننده هنری شکل بگیرد.

از سوی دیگر، کتاب مورد نظر از این لحاظ شایان توجه دانشجویان، پژوهندگان و علاقه‌مندان به هنر و ادبیات است؛ با توجه به اهمیت هنر و ادبیات در جامعه ما و سابقه دیرینه ادبی-هنری ایران، تا کنون آن چنان که باید و شاید به تقابل جامعه شناسی و هنر پرداخته نشده است. این کتاب جایگاهی را برای این دیدگاه فراهم می‌کند. جامعه به عنوان بستری برای شکل گیری هنر باید مورد توجه باشد. جدا کردن تحلیل تاریخی در هنر از جامعه همان دوره، قطعاً باعث پژوهشی ناقص خواهد شد که نهایتاً حقیقت را معلوم نخواهد کرد. بنا براین با آگاهی کامل نسبت به ضرورت تفکر اجتماعی و انسان شناسانه در حوزه هنر، می‌توان این رویکرد را به نظام عمومی پژوهش‌های هنری منتقل کرد.

پی نوشت

در تهیه این مطلب، از مقدمه دکتر محمود طاووسی بر کتاب «دستورالکاتب» نیز استفاده شده است.

وجود هنر در اجتماع تا اندازه‌ای روشن شده است. بنابراین هنر را باید یکی از حوزه‌های انسان شناسی فرهنگی تعریف کرد که پدیده هنر را در کاربردهای اجتماعی و فرهنگی و در پیامدهای ذهنی‌اش در درون یک فرهنگ و اجزای آن مطالعه می‌کند.

با این پیش زمینه، می‌توان گفت که در ورای این مسائل ظریفی که در کتاب مطرح شده است، چیزی مهم‌تر وجود دارد؛ این کتاب در زمان اویس ایلکانی نوشته شده است، از بازماندگان ایلخانی، در دوره بین پایان حکومت ایلخانان و حمله تیمور. دوره ای که در کشاکش قدرتمندی جانشینان چنگیز و شروع استبداد تیموری است. شخص مؤلف که دست پرورده رشید الدین فضل الله همدانی است، شرایط خاص اجتماعی آن دوران را تحمل نمی‌کند و خانه نشین است. در تألیف کتاب دست به ترفندی زده است و در قالب آموزش فن نگارش، حکایت‌هایی را روایت می‌کند که برای شرایط سیاسی آن دوران بسیار درخشان و شاخص است. در حکایات، راوی اجتماع نابسامانی را روایت می‌کند که شرایط طاقت فرسایی را فراهم کرده است. این شرایط باعث ایجاد رویکردی جدید شده است و آن گزارش مشکلات اجتماعی در لافه تعلیم و آموزش است. بنابراین در تاریخ ادبیات ایران، این کتاب نمونه ویژه و بی نظیری از «تاریخ اجتماعی هنر» می‌تواند شمرده شود.

رساله از احوال محیط، اوضاع سیاسی و آمد و شد اقوام گوناگون تأثیر گرفته و این تأثیر را در خود بازتابانده است. در دوره ای که ضرورت می‌یافت تا گویندگان به این زبان از هویت خویش دفاع کنند و در برابر سلطه گران بیگانه درایستند از زبانی تهییج کننده و نمادین بهره می‌گرفتند. در روش‌های نگارش موجود در این کتاب می‌توان سیر اندیشه‌های جامعه آن دوره، باورهای دینی مردم، خرافه‌های رایج میان آنها، آرمان خواهی‌ها و دادجویی‌هایشان و بسیار موضوعات دیگر را دنبال کرد، سررشته‌هایی به دست آورد و سرانجام آنها را به پهنه روشن تاریخ کشاند. از این روی است که به جرئت می‌توان گفت برای شناخت جامعه ایرانی در دوره ایلخانی تا تیموری کتاب‌هایی چون «دستورالکاتب» آگاهی‌های سودمندی از وضع شهرها و چگونگی اوضاع اجتماعی آن دوره به دست می‌دهد. تصویری که مؤلف از توده مردم، هنرمندان، و اصناف و دیوانیان دوره مذکور به دست می‌دهد چندان گویاست که به آسانی می‌توان به کمک آن مناسبات اجتماعی ایران را بازسازی کرد و قوانین اجتماعی حاکم بر آن را شناخت.

گذشته از این در شیوه نگارش و نحوه بیان موضوع، عوامل دیگری